



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<https://dx.doi.org/10.22067/pg.2021.69710.1034>

پژوهشی

تاثیرگفتمان‌های سیاسی در شکل‌گیری جوامع پردشده

سروش فرش‌چین (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

sfarshchin@gmail.com

مرتضی قورچی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

m_ghourchi@sbu.ac.ir

چکیده

نگاه انتقادی در جغرافیای سیاسی به نقد تئوری‌های گفتمان فضایی قدرت در جهت رهایی‌بخشی می‌پردازد. در دو قرن اخیر، نگاه فلسفی سلطه بر طبیعت، راه استثمار طبیعت و به تبع آن، استثمار انسان‌های دیگر را رقم زده است. گفتمان زیست‌سیاست حکومت‌ها می‌تواند، با به انقیاد کشیدن زیست انسان، شرایطی را به وجود آورد که وضعیتی تحت عنوان «اردوگاه»^۱ و «هموساکر»^۲، ایجاد شود. گرچه این دو واژگان در دنیای امروز، در تحقیقات زیست‌محیطی دیده نشده‌است، اما از نگاه جورجیو آگامبن^۳، مادامی که وضعیت زیست هر جامعه‌ای، ریشه‌های تشابه با برداشت او از مفهوم هموساکر و اردوگاه داشته باشد، می‌توان از این واژگان در جهت توصیف منطقه بهره برد. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا امکان‌سنجی تعمیم دیدگاه نظری آگامبن مبنی بر تبلور حیات برهنه در دنیای امروز، در یک محیط خاص جغرافیایی، تحت تاثیر گفتمان‌های سیاسی زیست‌محیطی حاکمیت ممکن است؟ روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی تحلیلی است و این مقاله با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای پیرامون نظریات آگامبن و جغرافیدانان سیاسی متأثر از او، در حوزه‌های «زیست‌سیاست»^۴، «اردوگاه»^۵ و «حیات برهنه»^۶ و هموساکر گردآوری، بررسی و تحلیل شده‌است. در یافته‌های این پژوهش، چگونگی بازتولید فضاها جغرافیایی تحت تاثیر گفتمان‌های فضایی قدرت، در محیط طبیعی با تعریف واژگان اردوگاه زیست‌محیطی^۶ و هموساکر زیست‌محیطی^۷ نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی انتقادی، زیست‌سیاست، اردوگاه، هموساکر، زندگی برهنه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

¹ Camp

² Homo-Sacer

³ Giorgio Agamben

⁴ Biopolitics

⁵ Bare/Naked Life

⁶ Environmental Camps

⁷ Environmental Homo-Sacers

نگرانی در خصوص وضعیت تخریب محیط زیست، در دنیای امروز، به مسئله‌ای فراگیر در بین متفکرین حوزه جغرافیای سیاسی انتقادی تبدیل شده است. جغرافیای سیاسی انتقادی به نقد گفتمانهای قدرت در بعد فضایی می پردازد و نقشی رهایی بخش داشته است. سیاست‌های زیست محیطی حکومت‌ها در شکل‌گیری این شرایط نقش اساسی و تعیین کننده داشته است. با توجه به این که عواقب این اتفاق، شرایط زیست انسان‌ها را تهدید جدی کرده است، اندیشیدن در مورد فلسفه چگونگی رخداد این وقایع، می‌تواند در بدست آوردن برداشت دقیق‌تر از ماهیت شکل‌گیری آن و جلوگیری از بازتولید این شرایط کمک شایانی کند. بسیاری از جغرافیدانان سیاسی انتقادی به نقد چگونگی شکل‌گیری و بررسی آثار فلسفه فضایی قدرت پرداخته‌اند که از این بین، آگامبن، فیلسوف و جغرافیدان ایتالیایی معاصر، یکی از این افراد است که نظریات انتقادی‌اش حول مفاهیم جغرافیای انتقادی به صورت عام و زیست‌سیاست به صورت خاص تعریف می‌شود. عمده شهرت او به نظریه هموساگر و وضعیت استثنایی⁸ برمی‌گردد. او در اولین مجموعه نوشتار خود در کتاب وسایل بی‌هدف، با بیانی فوکویبی معتقد است، در نظام سیاسی غربی، با حذف و ادغام حیات برهنه، سیاست بدل به زیست‌سیاست می‌گردد. از این رو آثار او تاثیر پذیرفته از میشل فوکو⁹، هانا آرنه¹⁰، والتر بنیامین¹¹ و کارل اشمیت¹² است. در بررسی آثار آگامبن، توجه به پیوستگی مطالبی که او در طول سال‌ها در بازه‌های زمانی بلند مدت ارائه داده، بسیار مهم و حائز اهمیت است. گاه مطلبی را سربسته و بدون شرح و واکاوی بکار برده است، که خواننده ناگزیر است برای درک آن به بررسی دیگر آثار او بپردازد. با این حال آنچه تحت عنوان مجموعه هموساگر ارائه کرده است، نیازمند بررسی دقیق مفاهیمی است که علاوه بر پیوستگی، بر پیچیدگی مطالب خود افزوده است، به عبارتی، آنچه که در طول حدود بیست سال در قامت منظومه هموساگر منتشر کرده است، ماحصل جستارهای کاملاً مجزا و در عین حال مکمل هسته فکری او هستند. به طور مثال آگامبن در کتاب وضعیت استثنایی، به شرح قوانین و حقوق شرایط استثنا پرداخته است، اما پیوست خط فکری او برای درک منظومه هموساگر، نیازمند واکاوی کتاب برهنگی او و شرح وضعیت برهنه در این کتاب است. آنچه که در این مقاله بررسی شده است، تلاشی بر درک صحیح از جایگاه فکری او نسبت به هموساگر و بسط نظریه او در موقعیت‌های خاص و مشابه دیگر است. کلید واژه‌های دیدگاه آگامبن در جهت درک بهتر هسته فکری او را می‌توان مفاهیمی چون گفتمان زیست‌سیاست، اردوگاه، حیات نیک و برهنه، وضعیت استثنایی و هموساگر برشمرد.

⁸ The State of Exception

⁹ Michel Foucault

¹⁰ Hannah Arendt

¹¹ Walter Benjamin

¹² Carl Schmitt

نقش اعمال حاکمیت، در شکل‌گیری فضا، با به انقیاد کشیدن در چارچوب گفتمان سیاسی قابل بررسی است. این به انقیاد کشیدن زیست انسان، تا جایی امکان ظهور دارد که وضعیت جوامع انسانی را به برهنه‌ترین شکل نمایان کند، به عبارتی، سیاست‌های حاکمیت می‌تواند زیست انسان را به سلطه خود درآورده و تا جایی پیش رود که حقوق اولیه شهروندی را از آن‌ها سلب کند. حلقه فلسفی مورد توجه آگامبن در مجموعه هموساکر، چکیده و شالوده مطالب و نظرات او پیرامون گفتمان زیست‌سیاست است. با فرض رهیافت از واژه‌ی زیست‌سیاست، پنجره جدیدی به عنوان نقش گفتمان حاکمیت در شکل‌گیری فضاهای جغرافیایی دال بر اعمال حاکمیت، باز می‌شود. این مفاهیم و تعاریف نوپا، گرچه سهم اندکی در مطالعات پژوهشگران و بازتاب آن در اذهان عمومی تا به امروز داشته‌است، اما به مراتب از گستردگی بالایی در مقیاس‌های جمعیتی برخوردار هستند. دیدگاه انتقادی آگامبن، زمینه‌ساز آغاز یک نگرش فکری در خصوص وضعیت جامعه بشر در دنیای امروز شده است. از این سو، بسیاری از اندیشمندان تحت تاثیر مقالات او، به بررسی و تطبیق نظریات او در چارچوب‌های مختلف و موقعیت‌های منحصر بفرد پرداخته‌اند. کلودیو مینکا^{۱۳}، یکی از شناخته شده‌ترین این اندیشمندان است که به صورت تخصصی بر روی مطالعه اردوگاه‌های امروزی متمرکز شده است. مینکا در اولین کتاب خود تحت عنوان «آگامبن و جغرافیا: حاکمیت، زیست‌سیاست و فضاهای استثناء»^{۱۴} به بست دیدگاه فکری آگامبن پرداخته است. پس از آن عمده فعالیت‌های مطالعاتی او حول محور اردوگاه‌های امروزی بوده است. گرچه مینکا بر این نکته صحه می‌گذارد که بزرگترین نمونه اردوگاه که تاریخ به خود دیده است، آشویتس نام دارد (Minka C. , 2015)، اما نقش و جایگاه نمود اردوگاه‌های فیزیکی امروزی، مثل زندان ابوقریب و گوانتانامو، از این حیث که حیات برهنه زندانیان را جلوه می‌دهد و همچنین تمامی حقوق شهروندی و انسانی را از آن‌ها سلب می‌کند، دست کمی از آشویتس ندارد (Minca, 2005). او همچنین به پیروی از آگامبن معتقد است که اردوگاه‌های نوین حتی در کشورها و نظام‌های دموکراتیک غربی امروزی نیز، تحت حاکمیت حکومت استثناء نمود دارد (Minka C. , 2015). مینکا در مقاله جغرافیای اردوگاه^{۱۵}، با اشاره به پژوهش‌های دریک گرگوری^{۱۶} در سال ۲۰۰۶، اشاره می‌کند که وضعیت کمپ‌گونه کشورهای فلسطین، عراق و افغانستان که زندگی حیات برهنه را به نمایش می‌گذارد، نمونه‌ای از اردوگاه‌های نوین قلمداد می‌شود. (Minka C. , 2015). از دیگر اندیشمندان منتقد در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی می‌توان به آنا جی سکور^{۱۷}، ویلیام شینکل^{۱۸}، مارگارت ون دن برگ^{۱۹} و جغرافیدانان سیاسی انتقادی

¹³ Claudio Minca

¹⁴ Agamben and Geography: Sovereignty, Biopolitics and Spaces of Exception

¹⁵ The Geographies of The Camp

¹⁶ Derrick Gregory

¹⁷ Anna J Secor

¹⁸ Willem Schinkel

¹⁹ Marguerite van den Berg

پیرو نظریات آگامبن می‌توان به دایانا مارتین^{۲۰}، پرم کومار راجارام^{۲۱}، الکس موری^{۲۲}، مارسلو اسویرسکی^{۲۳}، کارنا برکوویچ^{۲۴} و... اشاره کرد.

با فرض رهیافتی از وجود و نمود اردوگاه‌های نوین در دنیای امروز، پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا امکان‌سنجی تعمیم دیدگاه نظری آگامبن مبنی بر تبلور حیات برهنه در دنیای امروز، در یک محیط خاص جغرافیایی، تحت تاثیر گفتمان‌های سیاسی زیست‌محیطی حاکمیت ممکن است؟ پاسخ به این پرسش اساسی با استناد به برداشت‌های عمیقی از دیدگاه‌های فوکو، آرنه و آگامبن و پیوند حلقه فکری آن‌ها و تعمیم و کاربردی کردن دیدگاه نظری آگامبن در محیط‌های جغرافیایی بررسی شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی تحلیلی است و این مقاله با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای با تکیه بر مباحث نظری فوکو، آرنه، آگامبن و جغرافیدانان سیاسی انتقادی متاثر از او، در خصوص زیست‌سیاست، اردوگاه، حیات برهنه و هموساگر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

دیدگاه انتقادی در جغرافیا سیاسی

دیدگاه انتقادی در جغرافیا سابقه نه چندان طولانی در مطالعات آکادمیک دارد و به نوعی، احیا کننده مباحث جغرافیای سیاسی بوده است (Ahmadipour & Badiee, 2000). از متفکران پیشگام اندیشه انتقادی گفتمان زیست‌سیاست می‌توان به فوکو اشاره کرد، که این متفکر تحت تاثیر اندیشمندان انتقادی پیش از خود، مارکس هورکهایمر^{۲۵}، تئودور آدورنو^{۲۶}، والتر بنیامین، یورگن هابرماس^{۲۷} (Shokuhi, 2008) بوده است. آگامبن در تکمیل دیدگاه‌ها و نظریات خود پیرامون مباحث اردوگاه و هموساگر، از مباحث زیست‌سیاست فوکو بسیار بهره برده است. به طور کلی جغرافیدانان سیاسی و ژئوپلیتیسین‌های معتقد به دیدگاه انتقادی بر این باورند که ژئوپلیتیک، گفتمانی است که به بررسی روابط میان قدرت، علم و روابط سیاسی و اجتماعی می‌پردازد (Klaus, 2000, p. 70). از این رو، پست‌مدرنیسم و یا به عبارتی دقیق‌تر، جغرافیای سیاسی انتقادی، چشم‌اندازی جدید در جهت یافتن راه‌حلی‌هایی تازه در مواجهه با شرایط مختلف را ترسیم می‌کند، در نتیجه، دیدگاه انتقادی در جغرافیای سیاسی،

²⁰ Diana Martin

²¹ Prem Kumar Rajaram

²² Alex Murray

²³ Marcelo Svirsky

²⁴ Carina Brković

²⁵ Max Horkheimer

²⁶ Theodor Adorno

²⁷ Jurgen Habermas

گفتمانی است که مبانی شناخت‌شناسی و اصول پیش‌فرض در روش‌های اثبات‌گرایی، آن‌گونه که دیدگاه پوزیتیویستی معتقد است را به نقد می‌کشد (Afzali & Kiani, 2013). از طرف دیگر، نگاه انتقادی برخواسته از پست‌مدرنیسم، عقلانیت را به صورتی تاریخی و منطقه‌ای می‌پذیرد و از تعمیم آن به یک پتانسیل عام اجتناب می‌کند چرا که در این دیدگاه، نظریه‌ها در خوشبینانه‌ترین حالت، دیدگاهی نسبی دارند و بیان‌کننده حقیقت مطلق و عام نمی‌باشند (Afzali & Kiani, 2013). در این پژوهش نگاه انتقادی آگامبن، بیش از دیگر اندیشمندان، مورد توجه نگارندگان بوده است. با توجه به جهان امروز، که جهانی متشکل از فضاهاى مختلف و چندگانگی سیاسی است، اندیشیدن در خصوص منازعات اجتماعی و حرکت‌های مقاومتی، سیاسی شدن تغییرات محیط زیست، تجدید نظر در مفاهیم حکومت، دموکراسی، حقوق بشر و... در قامت جغرافیای سیاسی انتقادی، بسیار مورد توجه جامعه آکادمیک است (Afzali & Kiani, 2013). نظریه انتقادی بر این باور است که جغرافیا و علوم اجتماعی نباید در اختیار تفکر ایدئولوگ و یا گروه‌های قدرتمند در جامعه درآید (Unwin, 1994, pp. 29-35). با دیدگاهی انتقادی به مفاهیم جغرافیایی، «جامعه‌ای که گروه‌هایی از مردم را از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی محروم کند و یا به طور نظام‌مند، گروه‌هایی از مردم را فاقد قدرت نماید، یک جامعه خرد ستیز خواهد بود (Holub, 1995, pp. 58-85; Shokuhi, 2008)».

جایگاه گفتمان حاکمیت

دامنه و کاربرد مفهوم گفتمان^{۲۸}، مانند سایر مفاهیم پیچیده علوم اجتماعی، توسط متفکران در زمینه‌های مختلف، مورد مناقشه است، بدین معنا که با توجه به سیستم‌های نظری خاصی که استفاده می‌کنند، دامنه و کاربرد مفهوم گفتمان، متفاوت می‌شود. به طور کلی، طبق برداشت فوکو، که برخواسته از تحقیقات و مطالعات گذشته است، گفتمان باید به عنوان یک چارچوب در نظر گرفته شود. از نظر فوکو گفتمان به معنای تلاش‌های استراتژیک و آگاهانه گروه‌های اجتماعی برای دستیابی به درک است، درک مشترکی از جهان و جمعیت، که انگیزه اقدام جمعی را وجه قانونی می‌بخشد (McAdam, McCarthy, & Zald, 1996, p. 6). به عبارت دیگر، گفتمان به معنای مجموعه بینش‌های نهادینه شده‌ای است که بر ذهن مردم سایه افکنده است. در جای دیگر فوکو برداشت خود از گفتمان را معامله‌ای بین دولت، قدرت و سوژه توصیف می‌کند (Kalantari, 2011, p. 12). پس از او، آگامبن با توصیف اصطلاحات و مفاهیمی مانند زندگی برهنه، تصمیم حاکمیت و حالت استثنا به خلاء تئوریک فوکو در زیست‌سیاست پاسخ می‌دهد. آنچه در دیدگاه‌های این دو متفکر و سایر اندیشمندان مشهود است، ارتباط میان گفتمان‌های سیاسی دولت در اعمال قدرت بر زندگی ملت است. بنابراین، در مطالعه حاضر، با تأکید بیشتر

²⁸ Discourse

بر دیدگاه آگامبن، وضعیت استثنا به عنوان یک گفتمان سیاسی دولت در اعمال قدرت بر زندگی انسان و به طور منحصر به فرد در مفهوم خاص گفتمان سیاسی زیست‌محیطی، مورد بررسی قرار گرفته است.

اصطلاح اختیارات تام که آگامبن بعضاً برای توصیف حالت استثنا استفاده می‌کند، به افزایش قدرت حاکمیت و به ویژه به جنبه حقوقی اختیار صدور دستورات به قوه مجریه اشاره دارد. قانون قضایی فرض می‌کند که حالت استثنا موقتی است و تا زمانی اجرا می‌شود که خطر از بین برود. اما در واقعیت، حالت استثنا یک وضعیت خلاقانه است، یک حالت خلا قانونی، که همیشه عدم تفکیک اولیه قدرت از طریق قانون را توجیه می‌کند (Agamben G. , 2000, p. 42). حالت استثنا که تعلیق موقت قانون است، وضعیتی موقت است که یک ترتیب فضایی دائمی پیدا می‌کند، به عبارتی، این موقعیت همیشه خارج از حالت عادی قانون است. آگامبن زندگی برهنه‌ای را که از تعاریف سیاست خارج می‌شود، به عنوان یک جنبه اساسی مدرن از زندگی بشر متمایز می‌کند (Rajaram, 2004). او معتقد است این منطقه، اردوگاه تعریف می‌شود که در این وضعیت و مکان، شرایط استثنایی ظاهر شده و قانون کارایی خود را از دست می‌دهد (Agamben G. , 1998, p. 11). آگامبن معتقد است که در دنیای امروز تعادلی بین قانون عمومی و واقعیت سیاسی وجود ندارد، به عبارت دیگر اقدامات استثنایی دولت در مواقع بحرانی بیش از آنکه مبتنی بر اصول حقوقی و قانون اساسی باشد، پشتیبانی سیاسی دارند. در حالی که در این شرایط متناقض، اقدامات قانونی ناشی از استثنائات شکل قانونی به خود می‌گیرند، در عین حالی که نمی‌توانند کوچکترین جنبه حقوقی داشته باشند. از طرف دیگر، اگر فرض کنیم که قانون استثنا، که خود به معنای تعلیق قانون است، اصلی‌ترین راه برای مقابله و احاطه بر زندگی است، این قانون خود شرط اساسی هرگونه روابط است (Agamben G. , 2005, pp. 1-2). آگامبن معتقد است که اگر همان وضعیت حقوقی و سیاسی به درستی تعریف شود، منبع درک تفاوت بین امور سیاسی، حقوقی و همچنین بین قانون و موجود زنده احیا خواهد شد. حالت استثنایی نشانه مستقیم ماهیت زیست‌سیاست آن به عنوان چارچوبی از قانون است که با تعلیق، موجودات زنده را نیز شامل می‌شود (Agamben G. , 2005, p. 2). از این رو به جهت درک بهتری از نظام فکری آگامبن، لازم است برداشتی عمیق‌تر از گفتمان زیست‌سیاست حاصل شود. فوکو، یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان گفتمان زیست‌سیاست است که آگامبن، تجزیه و تحلیل خود را برای برقراری مجدد آن در زمینه‌های حاکمیت، اردوگاه، حالت استثنا و زندگی برهنه از او بهره برده است (Genel, 2006).

زیست‌سیاست در اندیشه فوکو

فوکو بر خلاف تصورات قبلی، زیست‌سیاست را شکافی آشکار در تلاش‌ها برای یافتن عوامل بیولوژیکی فرآیندها و چارچوب‌های سیاسی می‌داند (Lemke, 2011, p. 33). او سیر تاریخی را بررسی می‌کند که در آن، زندگی در مرکز تصمیمات سیاسی قرار دارد. فوکو بیش از قوانین اساسی و غیرتاریخی سیاست، به عدم ارتباط تاریخی در سیاست معتقد است. از این منظر، زیست‌سیاست به شکل جدیدی از سیاست اشاره دارد (Foucault,

(1978, pp. 142-143). به عقیده فوکو، زیست‌سیاست با تهیه زمینه‌ها و سوالات جدید، توانایی‌ها و چارچوب‌های سیاست سنتی را تکمیل می‌کند. زیست‌سیاست فوکو در جهت سیاست نیست، اما با اصلاح مجدد مفاهیم حاکمیت سیاسی و انقیاد شیوه جدیدی از دانش سیاسی، هسته سیاست را تغییر می‌دهد. زیست‌سیاست مجموعه‌ای است که در آن علوم انسانی کنش سیاسی را شکل می‌دهد و اهداف آن را ترسیم می‌کند، بنابراین، در دیدگاه فوکو، زیست‌سیاست به تغییرات اساسی در نظم سیاسی اشاره دارد (Lemke, 2011, p. 33). اصطلاح زیست‌سیاست در متون فوکو تفسیرهای مختلفی دارد، با این وجود سه تفسیر عملی مختلف از این مفهوم را می‌توان در آثار وی متصور شد. نخست، زیست‌سیاست به گسیختگی تاریخی در اندیشه و عمل سیاسی اشاره دارد، به طوری که ویژگی بارز آن طراحی مجدد قدرت حاکم است. دوم، فوکو زیست‌سیاست را نقش اساسی در بروز گفتمان نژادپرستانه می‌داند و سوم، زیست‌سیاست را به نوع خاصی از هنر دولتی مربوط می‌داند که با تفکر لیبرال منضبط اجتماعی می‌شود (Lemke, 2011, p. 34). فوکو معتقد است که جامعه‌ای در چارچوب قانون طبیعی، به تدریج به سمت یک جامعه عادی پیش می‌رود، لذا هدف، دیگر استفاده از مرگ در قلمرو حاکمیت نیست، بلکه توزیع افراد زنده در حوزه ارزش و منافع است. چنین قدرتی، نیازی به ایجاد فاصله بین دشمن حاکم و مردم وفادار او ندارد، بلکه بر توزیع و تعادل تأثیر می‌گذارد (Foucault, 1978, p. 144). جلد اول کتاب تاریخچه جنسیت فوکو به تفاوت قدرت حاکم با قدرت زیستی می‌پردازد. فوکو زیست‌سیاست را به آستانه بیولوژیکی مدرنیته محدود نمی‌کند (Foucault, 1978, p. 143)، بلکه آن را شکافی بین آنچه باید زنده بماند و آنچه باید بمیرد می‌داند (Foucault, 2003a, p. 254). به عبارت دیگر، آستانه مدرنیته زمانی بدست می‌آید که عملکرد سیاست‌های زیست‌سیاست بهبود یابد. این تعریف به این نکته اشاره دارد که چگونه مجازات کنیم و چه کسی را بکشیم (Dean, 2002). فرایندهای زیست‌سیاست فراتر از زندگی مردم است، تولد و مرگ یک فرد نقطه محدود حاکمیت زیست‌سیاست نیست، بلکه دقیقاً محل مداخله و عملکرد آن است (Braun, 2007, p. 11). به طور کلی، فصل آخر فوکو در تاریخچه جنسیت بیانگر این مفهوم است که تحول، به معنای جایگزین کردن مدل‌های قضایی قدیمی قدرت با ساختارهای جدید گفتمان سیاسی به نام زیست‌سیاست است (Hussain & Melissa, 2000). تحلیل فوکو از عقلانیت زیست‌سیاست بسیار نزدیک به تحلیل آرنه از اندیشه فرایند²⁹ است، خصوصاً در جایی که او تفکر تکاملی³⁰ را به عنوان یک الگوی کلی برجسته می‌کند (Blencowe, 2010). همچنین برای آگامبن، اردوگاه کار اجباری نازی آشویتس، روشن‌ترین نمونه از قدرت بیولوژیکی و فضای زیست‌سیاست است که در آن وضعیت انسانی زندانیان تحت انقیاد قرار می‌گیرد.

²⁹ Processual Thought

³⁰ Evolutionary Thinking

اردوگاه در اندیشه آرنت

مفهوم زندگی برهنه که آگامبن بسیار از آن بهره برده است با مفهوم اردوگاه ارتباط نزدیک دارد. اردوگاه مکانی برای زندگی بیولوژیک یا به عبارتی حیات برهنه و از طرف دیگر، نتیجه وضعیت استثنا است، بنابراین، برای درک بهتر مفهوم اردوگاه، مهم است که به دیدگاه آرنت در کتاب *توتالیتاریسم* اشاره شود. منشأ توتالیتاریسم مربوط به بسیاری از سیاست‌های زیستی است (Braun, 2007). واضح است که آرنت اندیشمند حوزه زیست‌سیاست در مدرنیته است (Blencowe, 2010). از نظر او، زندگی به عنوان بقا به بالاترین ارزش خود می‌رسد و از ابتکار عمل و خلاقیت سیاسی واقعی منع می‌شود. آرنت توجه خود را به تمایز کلاسیک بین خصوصی و پولیس³¹ جلب می‌کند، با این استدلال که عصر مدرن، نگرانی‌ها و مشکلات زندگی را بقا می‌داند. (Arendt H. , 1998, pp. 46-48). اگر این پذیرش دقیقاً تقلیل دهنده نباشد، مطمئناً بسیار مخرب است و هر تهدیدی را از قلمرو عمومی برطرف می‌کند، بنابراین امکان اقدام خلاق سیاسی را از بین می‌برد (Arendt H. , 1998, pp. 40-41). عصر مدرن شاهد بوده است که امور زندگی و مرگ بشر از حوزه خصوصی خانواده برداشته شده و به یک نگرانی عمومی تبدیل شده است (Blencowe, 2010). به ادعای کاترین برون³²، آرنت، زیست‌سیاست را غوطه‌وری در روند پاسخ دادن به سوالات مرگ، زندگی و تنهایی در عصر مدرن می‌داند. برون به درستی تلاقی میان اندیشه آرنت در مورد فرآیند و تفکر فوکو در مورد زیست‌سیاست را یادآوری می‌کند که قدرتی که فوکو در مورد فرایندهای بیولوژیکی تعریف می‌کند، فراتر از فرد و غیرشخصی است. این انرژی زیستی، افراد را به عنوان موجودات زنده هدف قرار نمی‌دهد، از طریق کنترل مستقیم بدن عمل نمی‌کند و در زندگی فردی تداخل ایجاد نمی‌کند، بلکه پدیده‌های جمعی مانند نرخ زادوولد یا متوسط امید به زندگی را هدف قرار می‌دهد (Braun, 2007; Blencowe, 2010). اردوگاه تجسم مفهوم زندگی برهنه است، آرنت، وضعیت اردوگاه‌های کار اجباری نازی را، تسلط کامل حاکمیت بر مردم، تعریف می‌کند. آرنت معتقد است، این رویداد تا زمانی اتفاق می‌افتد، که همه انسان‌های یک مجموعه نسبت به کنش‌های خاص، واکنش‌های مشخص و یکسان نشان دهند. این به معنای ایجاد نوعی انسان است که شبیه گونه‌های جانوری است و مفهوم آزادی برای او محدود به حفظ گونه است. همچنین باید توجه داشت که این اردوگاه‌ها به بهانه از بین بردن مردم و صرفاً زیر پا گذاشتن حیثیت افراد ایجاد نشده‌اند، بلکه تلاش برای از بین بردن خودانگیختگی در آن‌ها به عنوان جلوه‌ای از رفتار انسان است، بنابراین هدف اردوگاه‌ها ذهنی سازی است. (Arendt H. , 1968, p. 438). ویژگی مهم دیگر

³¹ Polis

³² Katherine Braun

اردوگاه‌ها انزوای کامل یا حداکثری از دنیای خارج اردوگاه است. اخبار و گزارش‌های ارسال شده از داخل اردوگاه غیرقابل باور و غیرواقعی تلقی می‌شوند، در نتیجه، گزارش زندانیان در اردوگاه که بعداً به دنیای زندگان پیوسته‌اند، چنان باورنکردنی است که حتی خود نویسندگان نیز به وجود آن شرایط اعتقادی ندارند (Arendt H. , 1968, p. 439). از نظر آرننت، اردوگاه‌های کار، ترجمه یکسانی از مفهوم زندگی و مرگ دارند، به این معنی که بسته به شرایط، زندگی انسان‌ها می‌تواند ارزشمند یا بی‌فایده باشد، در حقیقت، روند مرگ و ادامه زندگی، شرایطی را ایجاد می‌کند که هیچ تفاوتی بین مرگ و زندگی وجود نداشته باشد (Arendt H. , 1968, p. 441). ویژگی دیگری که آرننت برای اردوگاه توصیف می‌کند وجود توده‌های بسته‌بندی شده، خارج از فرم بیولوژیکی انسان است. وی معتقد است که افرادی که در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند دیگر وجود ندارند و مورد توجه هیچ کس قرار نمی‌گیرند، گویا آن‌ها از قبل مرده‌اند، اما قبل از رسیدن به آرامش ابدی، یک روح اهریمنی آن‌ها را در آستانه مرگ و زندگی متوقف کرده است. توصیف آرننت از شرایط اردوگاه منجر به این واقعیت می‌شود که با از بین بردن شخصیت حقوقی انسان‌ها و خارج شدن آن‌ها از قوانین حمایت از تابعیت یک کشور، ملیت افراد ساکن در اردوگاه از آن‌ها گرفته می‌شود و شرایط هرگونه رفتار غیرانسانی و غیراخلاقی علیه آن‌ها ایجاد می‌شود (Arendt H. , 1968, pp. 443-445).

اردوگاه در اندیشه آگامبن

آگامبن با استنتاج تعاریف اردوگاه و وقایعی که در آنجا رخ داده است، به پرسشی نهادینه‌تر در مورد جایگاه اردوگاه پرداخته است. او به شرح ساختار سیاسی حقوقی اردوگاه، و اینکه چنین وقایعی چگونه توانسته است در آنجا صورت پذیرد، پاسخ می‌دهد. از این رو اردوگاه در توضیحات آگامبن، نه به منزله‌ی یک واقعه تاریخی و یک نابهنجاری^{۳۳}، که البته مسلماً هنوز با ماست، بلکه به روایتی، در مقام چارچوب و قانون^{۳۴} پنهان فضای سیاسی دیده شده است (Agamben G. , 2003, p. 45). پژوهشگران تاریخی بر سر این مسئله که آیا نخستین اردوگاه‌ها را باید اردوگاه‌های متمرکزی دانست که در سال ۱۸۹۶ توسط پلیس اسپانیا در کشور کوبا برای سرکوب قیام جمعیت مستعمره ایجاد شد دانست و یا اردوگاه‌های متمرکزی^{۳۵} که انگلستان در آغاز قرن بیستم، بوئرها را در آنجا جمع کرد، به وحدت نظر نرسیده‌اند. اما مشخصاً از نظر آگامبن، در هر دو صورت، کشیده شدن ماجرا به سراسر جمعیت مدنی و غیرنظامی، مسئله ثابت و حائز بررسی است. جمعیتی متعلق به وضعیت استثنایی که با یک جنگ استعماری پیوست و پیوند دارد. به بیانی دیگر: «این اردوگاه‌ها از متن قانون عادی نوشته و تولید

³³ Anomaly

³⁴ Nomos

³⁵ Concentration Camps

نشده‌اند و احتمالاً محصول دگرگونی و تحول قانون زندان نیز نبوده‌اند، بلکه برعکس، آنها از وضعیت استثنایی و حکومت نظامی سربرآوردند (ibid, p. 46)». در مورد اردوگاه نازی‌ها³⁶، مبنای حقوقی بازداشت و یا اقامت اجباری قانون عادی نبوده، بلکه بیشتر حبس حفاظتی³⁷ بوده است (ibid, p. 46). حقوق‌دانان نازی، اردوگاه را به عنوان معیاری برای ایجاد نظارت پیشگیرانه پلیس می‌دانستند، زیرا آنان را قادر می‌ساخت تا افراد را به منظور جلوگیری از به خطر افتادن امنیت دولت، و جلوگیری از اعمال تبهکارانه توقیف کنند (Arendt H. , 2009, p. 280). از نظر آگامبن، اردوگاه قطعه‌ای از یک قلمرو است که خارج از نظام حقوقی عادی قرار گرفته‌است، اما با این وجود، صرفاً یک مکان خارجی هم نیست. آنچه در داخل اردوگاه حذف می‌شود، در بیرون اردوگاه به اسارت گرفته می‌شود، یعنی دقیقاً بواسطه حذف شدن، ادغام می‌گردد. بدین منظور، آنچه تحت حاکمیت قانون مصادره می‌شود، قبل از هر چیز، مصداق وضعیت استثنایی است. به بیانی دیگر، اگر استواری تصمیم‌گیری در مورد وضعیت استثنایی بر پایه قدرت حاکم است، اردوگاه نیز تشکیلاتی است که در آن وضعیت استثنایی به طور دائمی تحقق یافته است (ibid, p. 48). اگر انسان ساختار سیاسی حقوقی ویژه اردوگاه‌ها را متوجه نشود، ساختاری که هدف آن دقیقاً از تحقق دائمی استثناء صحبت می‌کند، در درک وقایع باورنکردنی اتفاق افتاده در آن دچار مشکل می‌شود. اردوگاه منطقه‌ی عدم تمایز میان خارج و داخل، استثنا و قاعده، مجاز و غیرمجاز است. در داخل اردوگاه از حقوق شهروندی نشانی نیست، ساکنان اردوگاه از هرگونه منزلت سیاسی بری شده‌اند و به حیات برهنه تقلیل می‌یابند، مطلق‌ترین مکان زیست‌سیاست که تا به امروز به وقوع پیوسته است (Agamben G. , 2000, pp. 39-40).

شرح مفهوم هموساگر

آگامبن در جهت تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر دیدگاهش، در مورد انسان مقدس/طرد شده یا همان هموساگر، از حقوق روم استفاده می‌کند. انسان مقدس در حقوق روم به کسی گفته می‌شود، که مردم او را به دلیل ارتکاب جرمی محکوم کرده و البته قربانی کردن او مجاز نیست، با این وجود، کسی که او را بکشد، محکوم به قتل نفس نمی‌شود (Agamben G. , 2011, p. 71). تا به حال آگامبن، آن‌چنان که خود معتقد است، هیچ توضیح کامل و قانع‌کننده‌ای در مورد ویژگی‌های متناقض انسان مقدس، که می‌توان او را بدون نگرانی از مجازات یا پیامد ناگوار کشت، اما نمی‌توان با به جا آوردن آداب و رسوم آیینی قربانی‌اش کرد، نیافته است. او توضیح این خصوصیت‌ها را در زیر مفهوم ابهام ذاتی امر مقدس رد می‌کند. در مقابل بر این نکته تاکید دارد که ماهیت هموساگر، تنها به

³⁶ Lager

³⁷ Schutzhaft

واسطه‌ی «حذف مضاعف و انقیاد مضاعف» (ibid, p. 82) عمیقا درک می‌شود. این که انسان مقدس یا همان هوموساگر را می‌توان کشت اما نمی‌توان قربانی کرد، عملا متضمن این نکته است که این فرد از چارچوب قانون انسانی طرد شده و همزمان از چارچوب قانون الاهی نیز محروم شده است، چراکه قربانی شدن به معنای هدیه‌ای جهت تقدیس و تبرک در درگاه خداوند است، سرنوشتی که انسان مقدس محکوم به محرومی از آن است. نتیجتا، خشونت‌ی که بر هوموساگر می‌رود از سویی نه در تضاد با مضامین الاهیاتی است و نه در تضاد با قوانین انسانی. از نظر آگامبن «حذف مضاعف انسان مقدس ملازم ادغام مضاعف در دو قلمروی الاهی و انسانی است» (Mills C. , 2017, p. 112). چراکه ویژگی امکان کشته شدن و ممنوعیت قربانی شدن در یک زمان، نمایانگر ادغام هوموساگر در جامعه انسانی و از طرفی تعلق به خداوند است. «هوموساگر از حیث عدم امکان قربانی شدن‌اش به خدا تعلق دارد و از بابت کشته شدن‌اش در اجتماع ادغام می‌شود» (Agamben G. , 2011, p. 82). آگامبن از این وضعیت تناقض‌آمیز نتیجه می‌گیرد که حیات برهنه یا حیات مقدس، مفهومی فراتر از قوانین انسانی و آسمانی است، که در شرایطی خاص زیست می‌شود، در نتیجه در معرض مرگ قرار گرفتن، به صورت نامتعارف و غریبی در این شکل زیستن قرار دارد (Mills C. , 2017, p. 113). در کتاب برهنگی‌ها، آگامبن به تحلیل خود از بقایای آشویتس ادامه می‌دهد، البته بیشتر به ریشه‌های فلسفی و متنی مسئله می‌پردازد، از این رو برهنگی آدم و حوا در باغ عدن و شرم و آغاز اخلاق را بسط می‌دهد و پاسخ واضح‌تری نسبت به استفاده از اصطلاح زندگی برهنه ارائه می‌دهد (Östman, 2010). در فرهنگ مسیحی، برهنگی از ویژگی‌های خداشناسی جدا نیست. در داستان خلقت آدم و حوا، اگرچه آدم و حوا هیچ لباس انسانی قبل از هبوط نپوشیده بودند، اما برهنه هم نبودند، بلکه لباسی از جنس فیض³⁸ بر تن داشتند که مانند لباسی از عزت و جلال آن‌ها را مستتر کرده بود (Agamben G. , 2010, p. 57). با این نتیجه‌گیری، از نظر آگامبن، قلمرویی که حیات برهنه در آن منزل دارد، صرفا قلمروی بی قانونی نیست، برعکس، با ادغام یا وانهادن حیات برهنه در برابر قانون، به نوعی قانونمند است. از این گذشته، حذف و ادغام مضاعف حیات برهنه به هم‌ساختی و هم‌سانی دو مفهوم هوموساگر و استثنا اشاره می‌کند، بدین رو که هر دو توأمان مشمول و درگیر چارچوب قانون هستند. از طرفی، حذف و طردشدگی از آن نیز، به نوعی در همین چارچوب قانون قرار می‌گیرد که در نتیجه آن، هر دو تابع تصمیم حاکم می‌باشند (Agamben G. , 2011, p. 84). او بر همین اساس می‌نویسد: «قلمروی حاکم، قلمرویی است که در آن کشتن مجاز است، آن هم بدون ارتکاب قتل نفس و بدون برپایی مراسم قربانی، و حیات مقدس، یعنی زندگی‌ای که می‌توان آن را گرفت اما نمی‌توان قربانی‌اش کرد، حیاتی است منقاد همین قلمرو» (ibid, p. 83). ازین رو قرابتی مابین مفهوم هوموساگر و حاکمیت مشخص می‌شود، به طوری که، «حاکم آن کسی است که همه‌ی انسان‌ها برای‌اش هوموساگرند و هوموساگر هم

³⁸ Grace

کسی است که برای اش همه‌ی آدم‌ها، بالقوه نقش حاکم را ایفا می‌کنند» (ibid, p. 84). نکته‌ای مهم در نظر آگامبن این است که تلازم حاکمیت و امر مقدس، تقدس ادغام حیات برهنه در نظام قضایی است. تعبیر هموساگر نیز بیان‌کننده حذف حیات برهنه در نظام سیاسی به عنوان ابژه‌ی تصمیم حاکم است و از ماهیت رابطه‌ی سیاسی حکایت دارد (Mills C. , 2017, p. 113).

آگامبن در مقدمه هموساگر، قدرت حاکم و زندگی برهنه، تمایز بین برداشت‌های مختلف از زندگی را که در فلسفه یونان وجود داشت، توصیف می‌کند. یونانیان، از دو واژه متفاوت برای تعریف مفهوم زندگی بهره می‌برده‌اند. واژه اول زویی³⁹ که به واقعیت ساده زندگی و دیگری، بایوس⁴⁰، که به طریق و سبک زندگی اشاره دارد. زویی بیانگر یک واقعیت ساده همزیستی برای همه موجودات زنده است، در حالی که بایوس «نشان دهنده شکل یا روش مناسب زندگی برای یک فرد یا یک گروه است» (Agamben G. , 1998, p. 1). آگامبن تحت تأثیر فوکو اندیشه خود را در مورد شکل زندگی توصیف می‌کند. فوکو می‌گوید که: «برای هزاره‌ها، انسان همان چیزی بود که برای ارسطو بود، یک حیوان زنده با ظرفیت اضافی برای وجود سیاسی» (Foucault, 1978, p. 143)، آگامبن این جمله را با تعریف خودش اصلاح می‌کند: «انسان مدرن، حیوانی است که سیاست او وجود او را به عنوان یک موجود زنده زیر سوال می‌برد» (Agamben G. , 1998, p. 3). از نظر آگامبن، ویژگی زیست‌سیاست، کاهندگی جایگاه انسان به عنوان یک انسان سیاسی و فرهیخته به انسانی با زندگی بیولوژیکی حیوانات است (Agamben G. , 1998, p. 119). به عبارتی دیگر، زندگی سیاسی با اعمال گفتمان زیست‌سیاست به حیات بیولوژیکی حیوانات تقلیل می‌یابد، به این معنا که این نوع زندگی، معاف از حمایت قانون و نظم است و می‌تواند به طور قانونی از بین برود. از نظر آگامبن، زندگی انسان با تسلیم در مقابل خشونت، مفهوم و شرایطی را ایجاد می‌کند، تحت عنوان انسان هموساگر، مادامی که همزمان در داخل و خارج از سیستم سیاسی، یا دقیق‌تر، زائده در خلا بین زندگی طبیعی و زندگی سیاسی قرار می‌گیرد (Mills, 2014, p.66). هدف زیست‌سیاست برای حاکمیت، تولید زندگی برهنه به عنوان عنصر اصلی سیاسی و آستانه بین زویی و بایوس است (Agamben G. , 1998, p. 181). بدون زندگی برهنه، هیچ قدرت مستقلی وجود ندارد. بنابراین، سیاستمداران همیشه ناچار بوده‌اند در تعیین حدود و انقیاد زویی مشارکت داشته باشند (Blencowe, 2010). از نظر آگامبن زیست‌سیاست، زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد، به عنوان یک بدن زنده ساده، به آنچه در استراتژی‌های سیاسی مطرح است تبدیل شود (Agamben G. , 1998, p. 3; Blencowe, 2010). این بدان معنا نیست که تغییری اساسی در سیاست مدرن ایجاد نشده است، آنچه مدرنیته را متمایز می‌کند، نه ورود زویی به قلمرو پولیس و نه معرفی زویی به عنوان یک موضوع قدرت، بلکه غیر قابل تشخیص بودن زویی از بایوس است (Blencowe, 2010). قلمرو

³⁹ Zoe

⁴⁰ Bios

زندگی برهنه، که در اصل در حاشیه نظم سیاسی قرار دارد، به تدریج با قلمرو زندگی سیاسی همزمان می‌شود، و محرومیت و شمول، در خارج و در داخل و زویی و بایوس، وارد منطقه‌ای از عدم تمایز می‌شوند. (Agamben G. , 1998, p. 9).

شرح آگامبن از واقعیت پناهندگان در مواجهه با حیات برهنه

آگامبن با نگاهی تاریخی معتقد است، پدیده پناهندگی وجهی از رویارویی با انقیاد قدرت حاکم و نمونه‌ای از نمود زندگی برهنه است که در نهایت منجر به از دست دادن هویت شهروندی یک پناهجو می‌شود، با این توضیح که اکثریت آن دسته از پناهندگانی که به مفهوم دقیق کلمه، شهروند و تابع هیچ کشور و دولتی نبوده‌اند، حفظ وضعیت کنونی را بر بازگشت به سرزمین آبا و اجدادی خویش ترجیح می‌دادند. دسته دیگری که ماندن در شرایط ناشهرونی را ترجیح می‌دادند، آن‌هایی بودند که بازگشت به وطن برایشان در حکم مرگ و اعدام بوده است (Agamben G. , 2003, p. 27)، این تعریف نشانگر وضعیت برهنه یک زندگی پناهجو است. آگامبن با اشاره به مقاله «ما پناهندگان»^{۴۱} آرنه، تصویر شخصی که آرنه ترسیم می‌کند را در مواجهه با زندگی برهنه نشان می‌دهد. پناهنده‌ای که هویتی جدید برای خود ایجاد کرده‌است، با تلخکامی درمی‌یابد که امکان زیستی لذت بخش که منجر به سعادت شود برای او میسر نیست (ibid, p. 26). نکته‌ی بسیار مهم دوران سال‌های بین دو جنگ در موضوع پناهندگان این است که آنها از حد موارد فردی فراتر رفته و به صورت پدیده‌ای توده‌وار ظاهر شده‌اند. حیات برهنه که همان واقعیت محض زندگی انسان است، اکنون در کانون تفکر دولت قرار گرفته‌است، به بیانی دیگر، به شالوده‌ی زمینی و این جهانی دولت در آمده‌است. دولت‌ملت مفهوم ملیت^{۴۲} یا همان تولد به مثابه حیات برهنه‌ی انسان را، نتیجه حاکمیت و اقتدار خویش می‌داند. به بیانی دیگر، تولد، بی‌درنگ تبدیل به ملت می‌شود، چندان که هیچ تفاوتی بین این دو مفهوم قابل بررسی نیست. از این‌رو برای برخورداری از حقوق، بشر بودن صرفاً پیش‌شرطی برای شهروندی است، یعنی فرد مادامی از حقوق بهره می‌برد که حتماً شهروند باشد، بشر بودن لازم است اما کافی نیست. در حقیقت، فرد حق ندارد به ماهوه انسانیت، پیش از شهروند شدن، مطالبه‌ای حقوقی کند (ibid, p. 31). مفهوم پناهندگی این اسلوب تولد و شهروندی را بر هم می‌زند. در واقع با این نگاه، پناهنده یکپارچگی فرضی هویت دولت‌ها را به سؤال می‌کشد. آنچه امروزه متمایز است، چندپارگی روزافزون نوع بشر است که در چارچوب دولت‌ملت بازنمایی شده‌است، که همین امر، بنیادهای دولت‌ملت را مورد تهدید قرار داده‌است (ibid, p. 32). در همین اثنا، نمود پدیده‌ای به عنوان مهاجرت به اصطلاح غیرقانونی، ابعاد و مختصات پی‌دا کرده‌است که تحولی بنیادین را راجع به پناهندگان نشان می‌دهد. پیدایش انبوه ناشهروندان

⁴¹ Hannah Arendt, *We Refugees*, 1943

⁴² Nativity

مهاجری که در کشورها اقامت دائمی داشته و توانایی و علاقه‌ای نسبت به دریافت تابعیت دولت تازه را از خود نشان نداده و از طرفی، امکان قبول تابعیت کشور پیشین خود را نیز متصور نیستند. این ناشهروندان اکثراً دارای ملیتی از آن خود هستند، اما از آن‌جا که ترجیح می‌دهند از پشتیبانی دولت خود بهره‌ای نبرند، مثل پناهندگان، در عمل بی‌دولت و بدون تابعیت هستند (ibid, p. 33). توماس هامر⁴³ در مقاله‌ای تحت عنوان دولت و حکومت ملی⁴⁴، این افراد را از آن جهت که نشان می‌دهد مفهوم شهروند، توانایی توصیف واقعیت اجتماعی سیاسی دولت‌ها را ندارد، باشندگان⁴⁵ می‌نامد. از نظر او باشندگان مردمانی هستند که در کشوری سکنی می‌گزینند، بی‌آنکه شهروند دولت آن کشور شوند. در واقع آن‌ها از بخش کمی از حقوق بومیان و شهروندان بهره‌مند می‌شوند. (Hammar, 1990; Agamben G. , 2003, p. 33)

مدل برگرفته از مباحث نظری پژوهش

از خلاصه مطالبی که ارائه شد، می‌توان این‌چنین برداشت کرد که گفتمان‌های سیاسی دولت در پیوند مفاهیمی چون حاکمیت، قدرت و سوژه، زیست انسان را در سیطره خود قرار می‌دهند. این تعاریف در گفتمان زیست‌سیاست می‌تواند در وضعیتی استثنایی منجر به تمییز حیات برهنه از حیاتی که بر بنیان‌های سعادت استوار است، شود. نمود این وضعیت در اردوگاه اتفاق می‌افتد، در واقع اردوگاه مکانی است که منجر به تولید انسان‌های هموساگر می‌شود. آن دسته از افرادی که تن به این اسلوب نداده و مهاجرت را برگزیده‌اند نیز به نوعی دیگر در مواجهه با حیات برهنه قرار گرفته‌اند، به طوری که تنها به بخشی از اختیارات و امتیازات شهروندی دسترسی دارند. با معرفی شدن این مفاهیم در اندیشه حکومت، جامعه با جوامع طرد شده‌ای روبروست که خارج از نظام حقوقی قرار می‌گیرند. در این جوامع طرد شده، ویژگی‌هایی که آرنت و آگامبن به تفصیل بحث کرده‌اند، قابل بررسی است.

⁴³ Tomas Hammar

⁴⁴ Democracy and Nation State, 1990

⁴⁵ Denizen



تصویر ۱: مدل برگرفته از مباحث نظری پژوهش (منبع: نگارندگان)

یافته‌های پژوهش

نقش حاکمیت در شکل‌گیری فضا را می‌توان با انقیاد در متن‌گفتمان سیاسی بررسی کرد. آگامبن معتقد است که ماهیت اردوگاه متشکل از تحقق استثنا و در نتیجه ایجاد فضایی برای زندگی برهنه است. با این توضیح، اردوگاه در هر زمان و هر مکان، بدون در نظر گرفتن ساختار شکل‌گیری و اتفاقاتی که در آن رخ می‌دهد، می‌تواند وجود داشته باشد. به بیانی دیگر، با این برداشت، اردوگاه می‌تواند دارای هر مدل و مکان‌نگاری^{۴۶} خاص خود باشد (Agamben G. , 2000, p. 41). از آن جایی که در شکل‌گیری یک اردوگاه فضایی، وضعیت خاصی شکل می‌گیرد که آگامبن آن را سرشت و ماهیت نمود وضعیت استثنایی قلمداد می‌کند، نگارندگان این مقاله معتقدند که با نگاهی انتقادی، گفتمان زیست‌سیاست دولت‌ها را می‌توان در اندیشه‌های سیاسی زیست‌محیطی نیز بررسی کرد، چرا که سیاست‌های دولت، در مقابله با تنش‌های حاصل از شرایط زیست‌محیطی، به مثابه یک تهدید عمل می‌کنند و دولت بمشابه تهدیدهای دیگر، برای کنترل شرایط و اعمال حاکمیت خود، شرایط استثنایی ایجاد

⁴⁶ Topography

می‌کند. در این شرایط زیست انسان‌هایی که تحت تاثیر تهدیدهای زیست محیطی، به صورت طبیعی و یا با دخالت سیاست‌های زیست‌محیطی دولت، قرار گرفته‌اند، به خطر می‌افتد. در این شرایط افراد قابلیت انتخاب را از دست می‌دهند و امکان تغییر شرایط را نخواهند داشت، حیات برهنه نمود پیدا می‌کند و شرایطی بمشابه شرایط اردوگاهی اتفاق می‌افتد. این شرایط را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. اول، اثرات مخاطرات طبیعی در وضعیت زیست‌محیطی منطقه، نظیر کاهش آب در دسترس، تخریب پوشش گیاهی، افزایش فرسایش، افزایش ریزگردها و... و دوم، تاثیرات اجتماعی اقتصادی ناشی از تخریب محیط زیست. این شرایط، بخصوص در مناطقی که به صورت سنتی، برای امرار معاش، ارتباط شدیدی با طبیعت دارند، تاثیرگذاری بیشتری دارد. این تاثیرات در عواملی نظیر کیفیت بهداشت، وضعیت اقتصاد و اشتغال منطقه، نرخ مرگ‌ومیر، نرخ رشد جمعیت و مهاجرت، وضعیت آموزش و تحصیلات، وضعیت توسعه زیرساخت‌ها و... اثر می‌گذارد. از این رو نگارندگان عناوین اردوگاه‌های زیست‌محیطی و هموساکرهای زیست‌محیطی را تعریف کرده‌اند و در راستای تایید این واژگان، با مجامع علمی بین‌المللی ارتباط گرفته‌اند. آنچه در این پژوهش به عنوان چارچوب فکری و مدل مفهومی از واژگان ارایه شده است، تکمیل‌کننده صحبت‌های پیشین است با این تفاوت که عامل محیط زیست، نقش تعیین‌کننده در ایجاد شرایط اردوگاهی دارد.



تصویر ۲: مدل مفهومی چگونگی پدیدار شدن هموساکرهای زیست‌محیطی (منبع: نگارندگان)

تجزیه و تحلیل

گرچه برای اولین بار کارل اشمیت، تعریفی از مفهوم اردوگاه را مطرح کرد، اما افرادی چون آرنت و آگامبن به شرح و بحث این مسئله پرداختند، از این رو در تعریف تاریخی از واژه‌ای تحت عنوان اردوگاه کمابیش وحدت فکری یکسانی بین اندیشمندان این حوزه مدنظر است. اما از دیدگاه آگامبن اردوگاه در دوران امروزی ظاهراً اتفاقی است که نشانگر مکان سیاسی مدرنیته است (Brković, 2018). این امر زمانی اتفاق می‌افتد که نظام سیاسی دولت‌ملت⁴⁷ مدرن، وارد شرایط جدیدی شود که بتوان آن را بحران دائمی نام نهاد و دولت مجبور شود تا مدیریت حیات بیولوژیک ملت را راساً به مثابه وظیفه خویش برعهده گیرد (Agamben G., 1998, p. 99) به عبارت دیگر، برای بقای سلامتی و بازتولید بدنه بیولوژیکی ملت، آگامبن استدلال می‌کند که اردوگاه، محلی است که در آن مطلق‌سازی بی‌مثالی از اعمال قدرت حاکمیت شکل می‌گیرد که وادار به زیست، و به موازاتی همان اندازه مطلق از قدرت حاکم، وادار به مرگ می‌کند، به گونه‌ای که زیست‌سیاست به مثابه مرگ‌سیاست می‌گردد (ibid). ساکنان اردوگاه از کوچکترین موقعیت سیاسی ممنوع شده‌اند و به‌طور کامل به حیات اولیه تقلیل یافته‌اند، این شرایط مطلق‌ترین فضای زیست‌سیاست است که بشر امروزی به چشم خود دیده‌است، فضایی که در آن قدرت صرفاً با حیات بیولوژیکی روبرو می‌شود (Schinkel & vandenBerg, 2011). آنچه که در خصوص اردوگاه دشوار است، تعریف آستانه میان مرگ و زندگی است. اردوگاه برای آگامبن نه تنها فضای مازاد سرزمینی که در آن افرادی خاص محبوس شده‌اند، بلکه پهنه‌ای از جغرافیا است که به‌طور مستقیم به همگان در داخل و خارج اردوگاه سرایت می‌کند (Agamben G., 2003, p. 48). او با بهره‌گیری از مفاهیم حقوقی روم، واژه هموساکر را برای افراد محبوس در اردوگاه بکار می‌برد (Agamben G., 2017, p. 42). اگرچه آرنت به مقایسه خصوصیات بازداشت شدگان در اردوگاه با افراد تبعیدی در شرایط بد آب و هوا، مجرمان محکوم به کار اجباری، برده‌داری و غیره، که دستیابی به حداقل حقوق انسانی، تفاوت اصلی این دو گروه است، اعتراف می‌کند (Arendt H., 1968, p. 441)، اما او پاسخ قطعی به این سوال نمی‌دهد که اگر شرایط بازداشت شدگان در اردوگاه، با کسانی که در یک منطقه خاص جغرافیایی زندگی می‌کنند، کاملاً مطابقت داشته باشد، چه ویژگی یا تجزیه و تحلیلی را می‌توان برای آنها در نظر گرفت؟ تمرکز آگامبن بر حاکمیت، قانون و فلسفه به سختی با روش‌های آرنت در انسان‌شناسی سیاسی سازگار است (Blencowe, 2010). روش تجزیه و تحلیل آرنت این است که دسته‌ها را تکثیر کند، تعاریف بسیار دقیقی ارائه دهد و اصرار بر برداشت کاملاً تاریخی از مفاهیم داشته باشد. او دائماً در تلاش است تا سردرگمی یک وضعیت را با وضعیت دیگر از بین ببرد (Blencowe, 2010). در واقع، آرنت بیشتر به اردوگاه به عنوان یک واقعه تاریخی نگاه می‌کند، در حالی که آگامبن به توصیف ساختار

⁴⁷ Nation-State

سیاسی حقوقی اردوگاه و چگونگی وقوع چنین رویدادهایی در آنجا پاسخ می‌دهد. با این نگرش، در توضیحات آگامبن، اردوگاه نه به عنوان یک رویداد تاریخی و ناهنجاری، که البته هنوز هم وجود دارد، بلکه به عنوان یک روایت، یا به تعریفی گفتمان، به عنوان ساختار و قانون پنهان فضای سیاسی دیده می‌شود (Agamben G. , 2000, p. 36).

اگر مکان‌نگاری، مطالعه منطقه‌ای که ساختار مختصات ریاضیاتی در آن مشخص است، فرض گرفته شود (Mendelson, 1990, p. 1)، با نگرش آگامبن، فضای ساختاری^{۴۸} ممکن است شامل ساختار مجموعه ریاضیاتی^{۴۹} یکسان باشد اما با هیچ فضای جغرافیایی^{۵۰} دیگری منطبق نیست. آگامبن معتقد است که فضاهای جغرافیایی و فضاهای ساختاری، معنی یکسانی ندارند (Schinkel & vandenBerg, 2011). این یک دیدگاه ارزشمند در جغرافیا است، زیرا فضاهای عددی جغرافیایی^{۵۱} تنها مواردی نیستند که جغرافیا با آن‌ها سروکار دارد (Harvey, 2006).^{۵۲} از آن رو که اردوگاه، خود پارادایم حاکم بر فضای سیاسی بوده و منجر به غیر قابل تشخیص شدن هوموساکر از شهروند است، بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که به استناد کدام تدابیر سیاسی، انسان‌ها از حقوق و امتیازات خویش محروم می‌شوند، آن هم تا حدی که ارتکاب هر عملی در قبال آن‌ها دیگر جنایت به حساب نیاید. اگر فرض بر این است، اگر هدف و رسالت اردوگاه، جسمانیت بخشیدن به وضعیت استثنایی و نتیجتاً ایجاد حیات برهنه است، در این صورت مادامی که چنین ساختاری ایجاد شد، عملاً یک اردوگاه ایجاد می‌شود، بدون توجه به انواع جنایاتی که در آن صورت گرفته و همچنین صرف نظر از هر شکل و مکان‌نگاری منحصر بفردی که داشته باشد (Agamben G. , 2000, pp. 40- 41). با این نگرش، استادیوم فوتبال واقع در شهر باری^{۵۳} که مهاجران غیرقانونی آلبانیایی توسط پلیس ایتالیا، در سال ۱۹۹۱، پیش از بازگرداندن شدن به کشورشان، موقتاً در آنجا معطل و منتظر بودند، پیست دوچرخه سواری در فرانسه که مقامات حکومتی، یهودیان را قبل از تحویل به آلمان در آنجا جمع کردند، اتاق‌های انتظار فرودگاه‌های بین‌المللی فرانسه که افراد خواستار پناهندگی

⁴⁸ Topological Figure

⁴⁹ Mathematical Structure

⁵⁰ Topographical Space

⁵¹ (Geo)Metric Spaces

^{۵۲} معنی و مفاهیم عنوان‌های پیچیده‌ای که آگامبن برای بیان دیدگاه فلسفی خود استفاده کرده است، جزو کلمات و کاربردهای تخصصی در علم ریاضیات است. به طور کلی، فضای ساختاری و شاخه‌های مربوط به آن در ریاضیات، به مجموعه‌ای از نقاط گفته می‌شود، که همراه با مجموعه‌ای از همسایگی برای هر نقطه است. این ساختار از مجموعه‌ای از اصول و قواعد که نقاط را به همسایه‌ها مرتبط می‌کنند، پیروی می‌کند (شوبرت، ۱۸۶۸، ص ۱۸). عنوان‌های فضای ساختاری، فضاهای عددی، مکان‌نگاری و... که در این پاراگراف استفاده شده است، معادل رسمی فارسی نداشته و نزدیکترین ترجمه‌های فارسی برای آن‌ها صورت گرفته است، پیشنهاد می‌گردد با توجه به بار معنایی خاص هر عنوان، عبارات انگلیسی عیناً در ترجمه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به طور کلی آنچه مدنظر آگامبن از بکاربردن این تعاریف پیچیده است، توجه به نقش عوامل محیطی و ارتباط آن با مکان جغرافیایی است. آگامبن سعی دارد با این توضیحات، هسته فکری خود را از نقش عوامل تاثیر گذار بر تمییز مکان از لامکان، بهتر نشان دهد.

⁵³ Bari

در آن جا محبوس می‌شدند، همگی در مفهوم اردوگاه تجلی پیدا می‌کنند. در همه‌ی این مثال‌ها و مثال‌های مشابه دیگر، حاکمیت قانون در مرزهایی که حاکم برای آن تعیین می‌کند، به حال تعلیق در می‌آید. (Agamben G., 2003, p. 51) با این برداشت، اردوگاه‌ها هر کدام سطحی از زندگی انسان را در سیطره خود قرار می‌دهند و آنچه که در تمام آن‌ها یکسان است، سلب اختیار و از بین بردن خودانگیختگی از زندگی انسان است. در واقع لازمه ایجاد یک زندگی برهنه در هر مکان‌نگاری خاص، سلب اختیار از جوامع آن مناطق است. این جوامع، که در مواجهه با بی‌اطلاعی توسط جوامع خارج از اردوگاه قرار دارند، و به بیانی آگامبنی هموساگر اطلاق می‌شوند، عملاً ابژه تصمیم حاکم هستند و گفتمان‌های سیاسی دولت، می‌تواند زیست آن‌ها را در خطر جدی قرار دهد. با این توضیحات، و با تاکید به اقسام گوناگون شکل‌گیری آن، ایجاد شرایط اردوگاهی می‌تواند روش‌های مختلف داشته باشد، هرچند در تمام آن‌ها علت شکل‌گیری و هدف ایجاد یکسان باشد، از این رو، سیاست‌های محیط‌زیستی حاکمیت، می‌تواند این اسلوب شهروندی را برهم بزند و تا جایی پیش رود که زندگی جوامع تحت تاثیر را به برهنه‌ترین شکل ممکن نمایان دهد. در واقع هموساگرهای زیست‌محیطی در محیطی تحت عنوان اردوگاه زیست‌محیطی، نه توان تغییر شرایط را دارند و نه توان زیستی که منجر به سعادت شود، به بیانی، زیست این جوامع تحت تاثیر گفتمان زیست‌سیاست، محدود به حفظ بقا شده است.

نتیجه‌گیری

آن‌چنان که اشاره شد، در دو قرن اخیر، استثمار طبیعت و به تبع آن، استثمار انسان‌های دیگر، به فجیح‌ترین شکل اتفاق افتاده است. برخی از جغرافیدانان با درک مسئولیت‌پذیری، در زمینه جغرافیای انتقادی به تلاش گسترده‌ای دست زده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها، جورجیو آگامبن است. آگامبن پیرو متفکرین پیش از خود، فوکو و آرنه، به بررسی مفهوم زیست‌سیاست پرداخته است اما بر خلاف آن دو معتقد است اردوگاه به عنوان نمود تفکر زیست‌سیاست، تنها یک واقعه تاریخی نیست، بلکه در دنیای امروز، اردوگاه‌های نوینی شکل گرفته است که به واسطه اندیشه و گفتمان زیست‌سیاست حکومت‌ها، سعی در انقیاد زیست انسان دارد. او شاخصه تمام اردوگاه‌ها در طول تاریخ را پیوند آن با مفهوم زندگی برهنه می‌داند و معتقد است مادامی که شرایطی ایجاد شود که بتوان آن را وضعیت استثنایی نام نهاد، دولت شرایط اضطراری ایجاد می‌کند و زندگی انسان‌ها را به عنوان یکی از وظایف خود، مستقیماً برعهده می‌گیرد. با این توضیحات، اردوگاه، در هر زمان و هر مکانی بدون توجه به مکان‌نگاری خاص و بدون توجه به جرایمی که در آن رخ می‌دهد، شکل می‌گیرد. در این پژوهش مدل نظری به شیوه توصیفی تحلیلی و عمدتاً بر اساس مجموعه هموساگر آگامبن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. خلاصه

دستاورد های نظری پیشین در جدول ۱ ارایه شده است، و نگارندگان در جهت پاسخ به خلاء موجود این بررسی ها، سعی در ارایه راهبردی کاربردی از یک مفهوم صرف نظری داشته اند.

جدول ۱ نگرش اندیشمندان به مفهوم اردوگاه و بررسی زاویه نگرش نگارندگان (منبع: نگارندگان)

انديشمند/ نگارندگان	نوع نگرش به مفهوم اردوگاه
ميشل فوكو	مستقيماً به موضوع اردوگاه اشاره نكرده است، اما تفكر زيست‌سياسي برخواسته از قدرت حاكم را دليل انقياد جوامع مي‌داند.
هانا آرنه	مفهوم اردوگاه را به عنوان يك واقعه تاريخي سياسي در نظر دارد و ضمن بررسي وضعيت اردوگاه، اين رويکرد را نتيجه سيطره قدرت حاكم قلمداد كرده است.
جورجيو آگامبن	به شرح ساختار سياسي حقوقي شكل‌گيري اردوگاه پرداخته است و اردوگاه را محدود به يك واقعه تاريخي نمي‌داند.
كلوديو مينكا و ديگر انديشمندان تحت تاثير آگامبن	به بسط ديده‌گاه نظري آگامبن و تطبيق ديده‌گاه نظري او در موقعيت‌هاي مختلف فضايي پرداخته‌اند.
نگارندگان	با تكيه بر دلایل و عوامل زیست‌محیطی، و تطبیق آن بر روی یک منطقه جغرافیایی، نگرشی کاربردی از یک مفهوم نظری ارائه داده‌اند.

پیوستگی و پیچیدگی مفاهیمی که آگامبن در مجموعه هموساگر ارائه داده است، نیازمند تحلیل دقیق و همه جانبه است، از آن رو که هسته فکری او کاملاً درک شود، عدم وجود ترجمه کامل مقالات و کتاب‌های او به فارسی، و همچنین توجه کمتر جامعه آکادمیک داخلی به موضوعات مورد بحث او، جزو دشواری‌های نگارش این مقاله بوده است. لذا در مرحله اول، پیشنهاد می‌گردد ترجمه کامل آثار آگامبن به فارسی توسط دغدغه‌مندان این نگرش صورت پذیرد. فرضیه این پژوهش که به امکان‌سنجی وقوع شرایط اردوگاه و به تبع آن هموساگر به واسطه گفتمان زیست‌سیاست حاکمیت پیرامون سیاست‌های محیط زیستی است، با استفاده از آرا و نظرات آگامبن، در این مقاله تایید شده است. از این رو، از جهتی که این مقاله، تعریفی کاربردی و اجرایی از یک مفهوم کاملاً نظری ارایه کرده است، می‌تواند برای جامعه آکادمیک جذاب باشد، هرچند در جهت پیشنهاد و راهنمایی آیندگان، ارزش‌گذاری فاکتورهای اجتماعی و زیست‌محیطی یافته‌های این پژوهش می‌تواند در بررسی این چارچوب و مدل مفهومی، در موقعیت‌های جغرافیایی مختلف، کمک شایانی به تکمیل این مقاله داشته باشد.

پیوست‌ها

پیرو مکاتبات و توصیف چارچوب نظری واژه مطروحه، نظر موافق اساتید شناخته شده پیرو نگرش آگامبن، مبنی بر تایید استدلال‌های نگارندگان در ثبت این واژگان اتفاق افتاده است. از جمله این اساتید می‌توان به دکتر سایمون دالبی اشاره کرد. این پژوهشگر شناخته شده جغرافیای سیاسی در پاسخ به شرح موارد، با ارسال برخی از

مقالات منتشر نشده خود، از امکان موقعیت‌سنجی و تطبیق شرایط با دیگر حوزه‌های مورد بررسی ایشان صحبت به میان آورد. دکتر دیانا مارتین که سابقه همکاری با دکتر مینکا را در کارنامه خود دارد و درخصوص موضوعات پناهندگان فلسطینی و زندگی برهنه مهاجران، تحقیقات مبسوطی داشته است، ضمن بی‌نظیر خواندن موضوع مورد مطالعه نگارندگان، بسط و گسترش مفهوم هموساگر در موقعیت‌های مختلف را _متاسفانه_ امکان پذیر دانست و از تعریف این واژگان استقبال کرد. در مکاتبات دیگری با همین مضمون با دکتر دیانا گرایزنگر، دکتر کارنا برکوویچ و دکتر متیو پترسون، مطالب مطرح شده بسیار جذاب عنوان شد.

کتابنامه

1. Afzali, R., & Kiani, V. (2013). The Political geography and geopolitics in the Postmodernism paradigm. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*, 22(85), 111- 126. [in Persian]
2. Agamben, G. (1993). *The coming community (Vol. 1)*. US, University of Minnesota Press.
3. Agamben, G. (1998). *Homo Sacer, Sovereign Power and Bare Life*. (D.H. Roazen, Trans.) California: Stanford University Press Stanford.
4. Agamben, G. (1999). *Remnants of Auschwitz: The Witness and the Archive.*, NY: . New York: Zone Books.
5. Agamben, G. (2000). *Means without End: Notes on Politics*. London: University of Minnesota Press.
6. Agamben, G. (2003). *Means Without end Notes on Politics*. (O. Mehregan, & S. Najafi, Trans.) Tehran: Cheshme.[in Persian]
7. Agamben, G. (2005). *State Of Exception*. (K. Attell, Trans.) Chicago: The University Of Chicago Press.
8. Agamben, G. (2010). *Nudities (Meridian: Crossing Aesthetics)*. (D. Kishik , & S. Pedatella, Trans.) Palo Alto: Stanford University Press.
9. Agamben, G. (2011). *Childhood and history (about the destruction of experience)*. (P. Imani, Trans.) Tehran: Markaz. [in Persian]
10. Agamben, G. (2017). *Language and Death*. (P. Imani, Trans.) Tehran: Markaz. [in Persian]
11. Ahmadipour, Z., & Badiee, M. (2000). Critical Geopolitics. *The Journal of Spatial Planning*, 1-10. [in Persian]
12. Arendt, H. (1968). *The Origins of Totalitarianism*. San Deigo: Harcourt.
13. Arendt, H. (1998). *The Human Condition*. Chicago: University of Chicago Press.
14. Arendt, H. (2009). *Totalitarianism*. (M. Salasi, Trans.) Tehran: Sales.[in Persian]
15. Blencowe, C. (2010). Foucault's and Arendt's 'insider view' of biopolitics: A critique of Agamben. *History of the Human Sciences*, 113-130.
16. Braun, K. (2007). Biopolitics and Temporality in Arendt and Foucault. *Time & Society* 16, 5-23.
17. Brković, Č. (2018). The Everyday Life of a Homo Sacer. Enclave Urbanism in Podgorica, Montenegro. *Südosteuropa*, 10-26.
18. Dean, M. (2002). Liberal government and authoritarianism. *Economy and Society*, Vol. 31, No. 1, 37-61.
19. Dillon, M. (2005). Cared to Death: The Biopoliticised Time of Your Life, . *Foucault Studies*, 37-46.
20. Foucault, M. (1978). *The History of Sexuality, vol. 1, The Will to Knowledge*. New York: Vintage.

21. Foucault, M. (2003a). *Society Must Be Defended – Lectures at the Collège de France 1976–1977*. London: Allen Lane.
22. Genel, K. (2006). The question of biopower: Foucault and Agamben. *Rethinking Marxism*, 18(1), 43-62.
23. Hammar, T. (1990). *Democracy and the nation state. Aldershot: Avebury.*
24. Harvey, D. (2006). *Spaces of global capitalism*. London: Verso.
25. Holub, R. C. (1995). *Jurgen Habermas, Critic in the Public Sphere*. (H. Bashirie, Trans.) Tehran: ney. [in Persian]
26. Hussain, N., & Melissa, P. (2000). Review: Thresholds: Sovereignty and the Sacred. *Law & Society Review*, 495-515.
27. Kalantari, A. (2011). *Discourse from three perspectives: linguistic, philosophical and sociological*. Tehran: Jameeshenasan. [in Persian]
28. Klaus, D. (2000). *Geopolitics in a changing world*. (Z. Ahmadipour, & A. Abdi, Trans.) Tehran: Belagh Danesh. [in Persian]
29. Lemke, T. C. (2011). *Biopolitics: An advanced introduction (Vol. 5)*. NYU Press.
30. McAdam, J., McCarthy, J., & Zald, M. (1996). *Comparative perspectives on social movements: Political opportunities, mobilizing structures, and cultural framings*. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Mendelson, B. (1990). *Introduction to topology*. Mineola: Courier Corporation.
32. Mills, C. (2014). *The philosophy of Agamben*. Routledge.
33. Mills, C. (2017). *The philosophy of Agamben*. (P. Imani, Trans.) Tehran: Markaz. [in Persian]
34. Minca, C. (2005). The return of the camp. *Progress in Human Geography*, 29(4), 405-412.
35. Minka, C. (2015). Geographies of the camp. *Political Geography*, 49, 74-83.
36. Östman, L. (2010). Agamben. Naked life and nudity. *Danish yearbook of philosophy*, 45(1), 71-88.
37. Rajaram, P. K.-W. (2004). The irregular migrant as homo sacer: Migration and detention in Australia, Malaysia, and Thailand. *International Migration*, 33-64.
38. Schinkel, W., & vandenBerg, M. (2011). City of exception: The Dutch revanchist city and the urban homo sacer. *Antipode*, 43(5), 1911-1938.
39. Shokuhi, H. (2008). Critical Geography. *Geographical Research Quarterly*, 133-141. [in Persian]
40. Unwin, T. (1994). *The place of geography*. Longman.